

کتاب شب امتحان عربی، زبان قرآن (۳) دوازدهم انسانی از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمون‌های شما خواهد گرفت، ببینید. (۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ امتحان‌های نهایی برگزار شده در سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ هستند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ آزمون‌های نهایی خرداد، شهریور و دی ۱۴۰۰ و دی ۱۴۰۱ هستند که طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر فصل تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند؛ در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال مواجه خواهید شد. این آزمون‌ها به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و شهریور ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ هستند.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آنچه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** در این قسمت تمام آنچه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی، زبان قرآن (۳) نیاز دارید، تنها در ۱۱ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

یک راهکار: موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های اول تا سوم آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



فهرست

بازم‌بندی درس عربی، زبان قرآن (۳) انسانی

نوبت دوم شهریور و دی	نوبت اول	مهارت‌های زبانی
۲	۲	واژه‌شناسی
۹	۹	ترجمه به فارسی
۷	۷	شناخت و کاربرد قواعد
۲	۲	درک و فهم
۲۰	۲۰	جمع

صفحه
آزمون
نوبت
پاسخ‌نامه

آزمون شماره ۱	(طبقه‌بندی شده) اول	۳	۳۱
آزمون شماره ۲	(طبقه‌بندی شده) اول	۵	۳۲
آزمون شماره ۳	(طبقه‌بندی نشده) اول	۷	۳۳
آزمون شماره ۴	(طبقه‌بندی نشده) اول	۹	۳۴
آزمون شماره ۵ نهایی خرداد ۱۴۰۰	(طبقه‌بندی شده) دوم	۱۱	۳۵
آزمون شماره ۶ نهایی شهریور ۱۴۰۰	(طبقه‌بندی شده) دوم	۱۴	۳۷
آزمون شماره ۷ نهایی دی ۱۴۰۰	(طبقه‌بندی شده) دوم	۱۷	۳۸
آزمون شماره ۸ نهایی دی ۱۴۰۱	(طبقه‌بندی شده) دوم	۲۰	۳۹
آزمون شماره ۹ نهایی خرداد ۱۴۰۱	(طبقه‌بندی نشده) دوم	۲۳	۴۰
آزمون شماره ۱۰ نهایی خرداد ۱۴۰۲	(طبقه‌بندی نشده) دوم	۲۵	۴۱
آزمون شماره ۱۱ نهایی شهریور ۱۴۰۱	(طبقه‌بندی نشده) دوم	۲۷	۴۳
آزمون شماره ۱۲ نهایی شهریور ۱۴۰۲	(طبقه‌بندی نشده) دوم	۲۹	۴۴

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)	
نمره	آزمون شماره ۱			ردیف	
درس اول					
۰/۵	<p>۱ تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. الف) فَكَّرَ يَعْلَمُ وَ لَا تَطَّلُبُ بِهِ بَدَلًا. ب) بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ</p>			۱	
۰/۲۵	<p>۲ أَكْتُبُ جَمَعَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. أَتَزَعُمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَ فِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ</p>			۲	
۰/۵	<p>دو تا گزینه رو با هم قیاس کن. بعد از پیدا کردن اشتلاف، به صورت عبارت تویه کن.</p>	<p>۳ إِيْتِخِبَ التَّرْجِمَةُ الصَّحِيحَةُ. الف) ﴿ وَ لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ... ﴾ □ ۱) سخنشان تو را غمگین نمی کند؛ زیرا همه ارجمندی را خدا دارد. □ ۲) گفتارشان تو را نباید اندوهگین کند؛ زیرا ارجمندی همه برای خداست. ب) ﴿ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانْتَهُمْ بِنِيَانٍ مَرْصُوصٍ ﴾ □ ۱) همانا خداوند کسانی را که در راهش پشت در پشت می جنگند دوست می دارد، گویا آن ها ساختمانی استوار هستند. □ ۲) قطعاً خداوند هر کسی را که در مسیرش پشت در پشت جنگ کرده است دوست می دارد، انگار آن ها ساختمان استوار هستند.</p>			۳
۰/۵	<p>۴ تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَةَ: الف) ﴿ ... لَا عَلِمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ... ﴾ ب) ﴿ إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴾ ج) ﴿ ... رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ... ﴾ د) لَا تَحْتَمِعْ حَضَلْتَانِ فِي الْمُؤْمِنِ: الْبُخْلُ وَ الْكِبْذُ. ه) ﴿ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ﴾ و) لَيْتَ فَضْلَ الرَّبِيعِ طَوِيلٌ فِي بَلَدِنَا! لِأَنَّ الرَّبِيعَ قَصِيرٌ هُنَا.</p>			۴	
۰/۷۵	<p>وزن کلمات رو پیدا کن.</p>	<p>۵ عَيَّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ: الف) ﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴾ ب) يَا رِزَاقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ وَ يَا مَالِكَ يَوْمَ الدِّينِ.</p>			۵
۰/۵	<p>عبارت ها ساده اند، پس ترجمه کن تا جواب مشخص بشه!</p>	<p>۶ عَيَّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ عَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ: x ✓ الف) التَّفَاخُرُ بِالنَّسَبِ مَحْمُودٌ. ب) طَالِبِ الْعِلْمِ بَيْنَ الْجُهَالِ يُشْبِهُ الْمَيِّتِ.</p>			۶
درس دوم					
۰/۲۵	<p>۷ أَكْتُبُ مُفْرَدَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ: إِنْفَجَرَتِ الْأَرْضُ فِي تِلْكَ الْقَنَاءِ بِمَقْدَارٍ مِنَ الدِّينَامِيْتِ بَلَغَ حَمْسَةَ أَطْنَانٍ.</p>			۷	
۱/۵	<p>۸ كَمَّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارَسِيَّةِ. الف) يَسْتَفِيدُ الْمُهَنْدِسُونَ مِنَ الدِّينَامِيْتِ لِحْفَرِ الْأَنْفَاقِ وَ شَقِّ الْقَنْوَاتِ وَ إِنْشَاءِ الطُّرُقِ. مهندسان از دینامیت برای کندن و کانال ها و راه ها استفاده می کنند. ب) تَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلْلِ وَ بِهِ تَسْتَعِينُ. از خیزد و زشتی به خدا پناه می بریم و از او</p>			۸	
۰/۷۵	<p>۹ تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَةَ: الف) مَنْ أَدْنَبَ وَ هُوَ يَضْحَكُ، دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي. ب) عَمِلَ الْفَرْدُ عَلَى تَطْوِيرِ تِلْكَ الْمَادَّةِ مُجَدِّدًا. ج) ﴿ ... إِنَّا لَا نُضَيِّعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴾</p>			۹	

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
ردیف	آزمون شماره ۱			
نمره	نوبت اول پایه دوازدهم			
۰/۷۵	من اگر بای شما باشم از نقش (المَقَلَّ الإِعْرَابِي) شروع می‌کنم.	<p>عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ: ﴿ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ۗ﴾ (الف) الْمُطْمَئِنَّةُ:</p> <p>□ (۱) اسم - مؤنث - معرفه - مفرد/ صفت □ (۲) اسم - مفرد - معرفه/ مضاف إليه</p> <p>ب) ارْجِعِي:</p> <p>□ (۱) فعل ماضی - ثلاثی مزید - سوم شخص مؤنث/ فاعل آن «أَنْتِ» □ (۲) فعل امر - دوم شخص - مفرد - ثلاثی مجرّد/ فاعل آن «ي»</p> <p>ج) رَاضِيَةً:</p> <p>□ (۱) اسم - نکره - مذکر - مفرد/ مفعول □ (۲) مفرد - مؤنث - نکره/ حال</p>		۱۰
۰/۵	باردقت به کلمه اول عبارات، می‌تونی واژه مناسبش رو درس بزنی.	<p>ضَعَّ فِي الْمَرْبَعِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ «كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً».</p> <p>□ (الف) حَسْرَةً تَأْكُلُ الْمَحَاصِيلَ الزَّرَاعِيَّةَ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَقْفِزَ مِثْرًا وَاجِدًا.</p> <p>□ (ب) تَرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِالْمَاءِ، وَ قَدْ يُسَمَّى بِذَلِكَ وَ إِنْ زَالَتْ عَنْهُ الرُّطُوبَةُ.</p>		۱۱
۱/۷۵	به حرکات و پایگاه هر نقش در جمله توجه کنید.	<p>مَيَّزَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:</p> <p>□ (۱) المفعول المطلق و نوعه □ (۲) المضاف إليه □ (۳) الحال □ (۴) المستثنى □ (۵) اسم الحرف المشبهة بالفعل</p>	<p>إِذَا أَرَدْتُمْ أَنْ تَنْجَحُوا فِي عَمَلِكُمْ فَقومُوا بِهِ مَتَوَكِّلِينَ. ﴿ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴾</p> <p>يَتِمُّ هَذَا السَّمَكُ نَوْمًا عَمِيقًا أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ. كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ.</p>	۱۲
۰/۵	اگر متضاد و مترادف‌ها رو حفظ نیستی، ترجمه کن تا جواب رو به دست بیاری.	<p>أَكْتُبُ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ.</p> <p>الْفَسِيحَةَ - رَاحَ - رَجَا - الْغُرْسَ - جَاءَ - الْفَرِيسَةَ</p> <p>(الف) = (ب) ≠</p>		۱۳
۰/۲۵	کلمات هماهنگ، در یک ویژگی با هم یکسان هستند.	<p>عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى.</p> <p>□ الْيَافِعِ □ الْطِفْلِ □ الْمَعْرَزِ □ الشَّيْخِ</p>		۱۴
۰/۷۵	تَرْجِمْ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ. <p>الف) يا صديقي، لا تَقُلْ كَلِمًا إِلَّا الْحَقَّ أَبَدًا.</p> <p>ب) ﴿ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... ﴾</p>			۱۵
۱	كَمَّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: <p>خَيَّرَهَا رَسُولُ اللَّهِ بَيْنَ الْإِقَامَةِ مَعَهُ مَعَزَّةً أَوْ الْعَوْدَةِ إِلَى قَوْمِهَا.</p> <p>فرستاده خدا او را میان همراه او یا به سوی قومش</p>			۱۶
۱	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ: <p>الف) لِنَعْرِسِ أَشْجَارًا لِكَيْ يَأْكُلَ مِنْ ثَمَارِهَا الْآخَرُونَ.</p> <p>ج) كُلُّ وَعَاءٍ يَضْبِقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَنْسَعُ.</p>	<p>□ (۱) جَعَلَهُ حُرًّا وَ أَحْرَجَهُ مِنَ الْعِبُودِيَّةِ: (دَوْبٌ - طُنٌّ - أَعْتَقَ - فَظٌّ - رِءَاءٌ)</p> <p>□ (۲) الَّذِي يَسْعَى فِي إِنْجَازِ عَمَلِهِ، وَ لَا يَتَسَعَّرُ بِالتَّعَبِ:</p> <p>□ (۳) قِطْعَةٌ مِنْ قِمَاشٍ يُلبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِيسِ، كَالْعَبَاءَةِ:</p> <p>□ (۴) وَزَنٌ يُعَادِلُ أَلْفَ كِيلُو غَرَامٍ:</p>		۱۷
۱	هواستون به نوع فعل، صیغه فعل و بقیه ریزه‌کاری‌ها باشه. <p>ب) عِنْدَمَا دَخَلَ عَلَيَّ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ أَجْلَسَهُ النَّبِيُّ ﷺ عِنْدَهُ.</p>			۱۸
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید		

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
ردیف	آزمون شماره ۱۰			نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۲
۱	<p>ترجم الكلمات التي تحتها خط:</p> <p>(الف) ﴿لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا...﴾</p> <p>(ج) يتطوي العالم الأكبر في الإنسان.</p> <p>(ب) إنازة القلب والعقل مفيدة.</p> <p>(د) المزارع كان قد قرّر التحلّص من البومات.</p>			
۰/۵	<p>عین المتضادّ و المترادف من الجملة التالية:</p> <p>«يرى المشتائم الصعوبة؛ أما المتفائل فيرى الفرصة». / راح الولد نحو أبيه ثم ذهب إلى النبي ﷺ.</p> <p>(الف) = (ب) ≠</p>			
۰/۲۵	<p>عین الكلمة الغريبة في المعنى:</p> <p><input type="checkbox"/> الجبال <input type="checkbox"/> السهول <input type="checkbox"/> المعامل <input type="checkbox"/> التلال <input type="checkbox"/> الحقول</p>			
۰/۲۵	<p>أكتب مفرد الكلمة التالية:</p> <p>من مهنددات نظام الطبيعة الأسمدة الكيميائية.</p>			
۰/۵	<p>ترجم العبارات التالية إلى الفارسية:</p> <p>(الف) ﴿إنا نحن نزلنا عليك القرآن تنزيلاً﴾</p> <p>(ب) ﴿فهذا يوم البعث ولكنكم كنتم لا تعلمون﴾</p> <p>(ج) يا بَنِيَّ، أَحِبِّ لِعَبْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ.</p> <p>(د) كِلا الفريقين يُفْلِحَانِ وَلَكِنَّ الَّذِينَ يُفْقَهُونَ الْجَاهِلَ أَعْلَوْنَ.</p> <p>(هـ) خَيْرَ الرَّسُولِ ﷺ الشِّيمَاءُ بَيْنَ الْإِقَامَةِ مَعَهُ مُعَزَّرَةٌ أَوْ الْعَوْدَةِ إِلَى قَوْمِهَا.</p> <p>(و) إِنَّ طَيْسِفُونَ قُرْبَ بَغْدَادٍ كَانَتْ عَاصِمَةَ السَّاسَانِيِّينَ.</p> <p>(ز) وَ أَمَلُوا الصُّدْرَ انْشِرَاحًا / وَ فَمِي بِالسَّمَاتِ</p> <p>(ح) كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ أُخْتٌ مِنَ الرِّضَاعَةِ.</p> <p>(ط) مَنْ لَمْ يُؤَدِّبْهُ الْوَالِدَانِ صَغِيرًا يُؤَدِّبْهُ الرَّمَنُ.</p> <p>(ي) قَامَ الْفَرْدُ بِإِنْشَاءِ عَشْرَاتِ الْمَصَانِعِ.</p> <p>(ك) أَيُّهَا الْفَلَّاحُ! رَاقِبْ مَرْعَتَكَ مُرَاقِبَةً شَدِيدَةً.</p> <p>(ل) قَبِلَ الرَّجُلُ أَوْلَادَهُ إِلَّا بِنْتَهُ.</p> <p>(م) لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكُذِبِ.</p>			
۱	<p>عین نوع الكلمات: (۱) اسم المبالغة (۲) اسم المكان (۳) اسم المفعول (۴) اسم التفضيل</p> <p>كانت أنواع المحاصيل في المزرعة. الغفار من أسماء الله الحسنى.</p>			
۰/۵	<p>إنتخب الترجمة الصحيحة:</p> <p>(الف) ﴿يا أيها الناس اعبدوا ربكم الذي خلقكم...﴾</p> <p><input type="checkbox"/> (۱) ای مردم! پروردگارتان را بپرستید که شما را آفرید.</p> <p><input type="checkbox"/> (۲) مردم، پروردگار خودتان را که شما را می آفریند عبادت کنید.</p> <p>(ب) كان السمك المدفون يعيش داخل حفرة صغيرة في انتظار نزول المطر:</p> <p><input type="checkbox"/> (۱) ماهی مدفون داخل گودال کوچک در انتظار بارش باران زندگی می کند.</p> <p><input type="checkbox"/> (۲) ماهی مدفون داخل گودال کوچکی در انتظار بارش باران زندگی می کرد.</p>			
۰/۵	<p>عین الصحيح:</p> <p>(الف) إنها لم شيئاً. (تصنّع - تصنّع - تصنع) <input type="checkbox"/></p> <p>(ب) على شراء الديناميت رؤساء شركات البناء. (أقبلت - أقبلوا - أقبل) <input type="checkbox"/></p>			
۱	<p>كمل الفراغ بالترجمة الصحيحة:</p> <p>(الف) يحيى جنودنا البلاد من شُرور الحداثات. سربازان ما، سرزمین ها را از ناگوار</p> <p>(ب) تُعدُّ النفايات الصناعية تهديداً لنظام الطبيعة. صنعتی برای نظام طبیعت تهدیدی</p>			

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۲		آزمون شماره ۱۰	
۱/۷۵			<p>عَيْنَ الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ:</p> <p>(الف) ﴿ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ ﴾</p> <p>(ب) أَعْجَبَ أَنْوَشِرُونَ كَلَامَهُ وَ أَمَرَ أَنْ يُعْطَى الْفَلَّاحُ أَلْفَ دِينَارٍ.</p> <p>(ج) الْمُؤْمِنُ لَا يَظْلُمُ الْآخَرِينَ فِي الدُّنْيَا.</p>	
۰/۲۵	<p>(۲) إزدادَ عَدَدُ فِرْعَانَ الْحَفْلِ إزداداً كبيراً.</p>		<p>عَيْنَ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ لِلنَّوْعِ أَوْ لِلْبَيَانِ:</p> <p>(۱) يَخْرُجُ السَّمَكُ مِنَ الْغَلَابِ خُرُوجاً وَ يَقْفِرُ فِي الْمَاءِ.</p>	
۱/۵	<p>(ج) لَنْ تَسْتَرْجِعَ الْمُؤْمِنَةَ عَهْدَهَا مَعَ رَبِّهَا.</p> <p>(و) قَدْ تَسْتَرْجِعُ الرِّسَالَةَ.</p>		<p>تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ:</p> <p>«إِسْتَرْجَعَ: بِسَ كَرَفْتِ»</p> <p>(الف) لَمْ يَسْتَرْجِعْ حَامِدٌ الْكُتُبَ.</p> <p>(ب) رَجَاءٌ، إِسْتَرْجِعْ أَمَاتَكَ.</p> <p>(د) أَخِي الْعَزِيزُ! لَا تَسْتَرْجِعْ مَا أَعْطَانِي.</p> <p>(هـ) زَمِيلِي سَيَسْتَرْجِعُ حَقِيبَتَهُ.</p>	
۱/۵	<p>(۶) الحال</p> <p>(۵) المُنَادَى</p> <p>(۴) المُسْتَثْنَى مِنْهُ</p> <p>(۳) المُسْتَثْنَى</p> <p>مَنْ عَاشَ بِوَجْهَيْنِ، مَاتَ خَاسِراً.</p> <p>ظَلَمَ الْإِنْسَانُ الطَّبِيعَةَ فِي نَشَاطَاتِهِ ظُلماً وَ إيسعاً.</p>		<p>مَيَّزْ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:</p> <p>(۱) الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ (۲) نَوْعُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ</p> <p>﴿ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ﴾</p> <p>يَا تَلَامِيذُ! حَافِظُوا عَلَيَّ نِظَافَةَ الطَّبِيعَةِ.</p>	
۱	<p>الطَّيْنُ - الْمُخْتَبَرُ - الْمُعِينُ - الْعَظْمُ - الْقِطْ - الْفَرْخُ</p>		<p>عَيْنَ الْكَلِمَةِ الصَّحِيحَةِ لِلْعِبَارَاتِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)</p> <p>(الف) هُوَ الَّذِي يَأْخُذُ يَدَ الْآخَرِينَ دَائِماً:</p> <p>(ب) مِنْ أَعْدَاءِ الْفَارِ:</p> <p>(ج) مَكَانٌ يُجْرِي بَعْضُ الْعُلَمَاءِ فِيهِ تِجَارَتُهُمْ:</p> <p>(د) خُلِقَ الْإِنْسَانُ الْأَوَّلُ مِنْهُ:</p>	
۰/۵			<p>عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:</p> <p>﴿ يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ ... ﴾</p> <p>(الف) دَاوُدُ:</p> <p><input type="checkbox"/> (۱) إِسْمٌ، مُفْرَدٌ مُدَكَّرٌ، مَبْنِيٌّ/ مُبْتَدَأٌ</p> <p><input type="checkbox"/> (۲) إِسْمٌ، مُفْرَدٌ مُدَكَّرٌ، مُعْرَبٌ، مَعْرِفَةٌ بِالْعَلَمِيَّةِ/ مُنَادَى</p> <p>(ب) جَعَلْنَا:</p> <p><input type="checkbox"/> (۱) فِعْلٌ مَاضٍ، ثَلَاثِيٌّ مُجْرَدٌ، مَعْلُومٌ، لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ، مَبْنِيٌّ/ فِعْلٌ وَ فَاعِلٌ، خَبْرٌ إِنَّ</p> <p><input type="checkbox"/> (۲) فِعْلٌ مُضَارِعٌ، ثَلَاثِيٌّ مُزِيدٌ مِنْ بَابِ إِفْعَالٍ، مُتَعَدِّ/ فِعْلٌ وَ فَاعِلٌ</p>	
۱	<p>إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ:</p> <p>«كَانَ عُثْمَانُ بْنُ حُنَيْفٍ عَامِلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ عَلَى الْبَصْرَةِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ دَعَا رَجُلٌ مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ إِلَى مَادِيَّةٍ فَاسْرَعَ إِلَيْهَا. انْزَعَجَ عَلِيُّ ﷺ مِنْ عَمَلِهِ وَ قَالَ: مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَانَلَهُمْ مَجْفُوفٌ وَ عَنَيْتَهُمْ مَدْعُوفٌ.»</p> <p>(الف) عَلِيُّ أَيُّ بَلَدٍ كَانَ عُثْمَانُ بْنُ حُنَيْفٍ عَامِلاً؟</p> <p>(ب) مَنْ دَعَا ابْنَ حُنَيْفٍ إِلَى الْمَادِيَّةِ؟</p> <p>(ج) عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي مَعْنَى «الْعَانِلُ»:</p> <p><input type="checkbox"/> (۱) هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَحْتَاجُ إِلَى مُسَاعَدَةِ الْآخَرِينَ .</p> <p><input type="checkbox"/> (۲) هُوَ مَنْ أَغْنَى أَغْنِيَاءَ الْعَالَمِ فِي حَيَاتِهِ.</p> <p>(د) عَيْنَ الصَّحِيحِ لِمَفْهُومِ النَّصِّ:</p> <p><input type="checkbox"/> (۱) طَرِيقَتِ بِهِ جِزْ خِدْمَتِ خَلْقِ نِيَسْتِ</p> <p><input type="checkbox"/> (۲) تَوَكُّرِ مَحْنَتِ دِيْگِرَانَ بِي غَمِي</p> <p>به تسبیح و سجاده و دلوق نیست</p> <p>نشاید که نامت نهند آدمی</p>			
۲۰	جمع نمرات		موفق باشید	

پاسخ‌نامه تشریحی

ازمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱۰- الف) الْمُطْمَئِنَّةُ: گزینه «۱»

چون «ال» دارد اسم است. / «ة» دارد، پس مفرد مؤنث است. / «ال» دارد معرفه است. / چون ویژگی «النَّفْس» را بیان می‌کند، صفت آن محسوب می‌شود.
کتابت: «النَّفْس» مؤنث معنوی است (یعنی ظاهر مؤنث ندارد، اما در معنا مؤنث است)، به همین منظور «الْمُطْمَئِنَّةُ» که صفت آن است مؤنث می‌باشد.

ب) إِرْجَعِي: گزینه «۲»

از ظاهر فعل مشخص است که اول آن «الف» اضافه شده است و آخر آن «مجزوم» است، بنابراین «فعل امر» است. / با توجه به شناسه «ي»، دوم شخص مفرد مؤنث می‌باشد. / فعل «إِرْجَعِي» شناسه «ي» دارد که فاعلش محسوب می‌شود.

ج) راضِيَةً: گزینه «۲»

چون تنوین دارد، اسم و نکره است. / «ة» دارد، پس مفرد مؤنث است. / به دلیل این که حالت «النَّفْس» را بیان می‌کند و هم تنوین «ة» دارد و هم این که مانند «النَّفْس» مفرد مؤنث است «حال» می‌باشد.

۱۱- الف) حشره‌ای که محصول‌های کشاورزی را می‌خورد و می‌تواند یک متر ببرد.

(۳) ← أَلْبَرَّادَةُ: ملخ

ب) خاکی که با آب مخلوط است و گاهی به آن (همین نام) نامیده می‌شود، اگر چه رطوبت از آن برود.

(۱) ← أَلطَّيْن: گِل

۱۲- (۱) مفعول مطلق: نوماً (زیرا مصدری نکره و منصوب از فعل جمله است).

نوع آن: نوعی (زیرا بعد از مفعول مطلق، صفت (عمیقاً) آمده است).

۲) مضاف‌الیه: کم (زیرا ضمیر کم به یک اسم (عَمَلٍ) متصل شده است). / شیء (زیرا قبل از آن اسمی بدون (ال و تنوین) قرار گرفته است).

۳) حال: مُتَوَكِّلِينَ (زیرا اسمی نکره منصوب و مشتق (اسم فاعل) می‌باشد و حالت را بیان می‌کند).

۴) مستثنی: العِلْم (زیرا اسمی است که بعد از إِيَّاهُ آمده است).

۵) اسم حرف مشبّهة بالفعل: العَهْد (زیرا بعد از إِنْ قرار گرفته است).

۱۳- الف) الأُفْسِيْلَةُ = العَرَس (نهال) (ب) راح (رفت) ≠ جاء (آمد)

۱۴- جوان کم‌سال کودک گرمای پیرمرد

«الأُعْرَسُ» صفت است و بقیه کلمات، اشاره به دوره‌های مختلف سنی انسان دارد.

۱۵- الف) ای دوستم؛ هرگز سخنی جز حق نگو.

لا تَقُلْ: فعل نهی است.

ب) «همانا انسان در زبان است، جز کسانی که ایمان آورده‌اند و کار شایسته انجام دادند.» آمنوا: فعل ماضی است. / عَمِلُوا: فعل ماضی است.

۱۶- فرستاده خدا او را میان ماندن همراه او با عزّت یا برگشت به سوی قومش اختیار داد.

۱۷- (۱) او را آزاد قرار داد و از بندگی خارجش کرد: أَعْتَقَ: آزاد کرد

(۲) کسی که در انجام دادن کارش تلاش می‌کند و احساس خستگی نمی‌کند: دؤوب: با پشتکار

(۳) تکه‌ای پارچه که روی لباس‌ها پوشیده می‌شود، مانند عباء: رداء (روپوش بلند)

(۴) وزنی معادل هزار کیلوگرم: طُن (تن)

۱۸- الف) درختانی را باید بکاریم، تا دیگران از میوه‌هایش بخورند.

لِ- تَعْرِش ← لِتَعْرِش: فعل امر اوّل شخص جمع است.

لِکي + يَأْكُلُ ← لِکي يَأْكُلُ: تا بخورد.

۱- الف) پس علم را به دست آور و برای آن جایگزینی نخواه.

ب) بلکه آن‌ها را می‌بینی که از گلی آفریده شده‌اند / آیا به‌جز گوشت و استخوان و پی هستند؟

۲- آیا می‌بنداری تو چیز کوچکی هستی / حال آن که جهان بزرگ‌تر در تو به هم پیچیده شده است.

چَرْمَ حَمَ ← أَجْرَام (بیکرها)

۳- الف) گزینه «۲»: فعل «لَا يَحْزُنُ» به این علت که حرف آخرش مجزوم (مُ) شده، فعل نهی است و در ترجمه فعل نهی غایب از کلمه «نبايد» استفاده می‌کنیم، ولی در گزینه (۱) به صورت مضارع منفی ترجمه شده است.

ب) گزینه «۱»: کلمه «الَّذِينَ» به معنای کسانی که در گزینه (۲) نادرست ترجمه شده است و فعل «يُقَاتِلُونَ» مضارع است، در حالی که در همین گزینه به صورت ماضی نقلی ترجمه شده است و این که «بنيان مرصوص» ترکیب وصفی و نکره است که در گزینه (۲) به صورت معرفه معنا شده است.

۴- الف) «... هیچ دانشی نداریم، جز آن چه به ما آموختی ...»

عَلَّمْتُ: فعل ماضی از باب «تفعیل» است.

ب) «همانا ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، شاید شما بیندیشید.»

لَعَلَّ + تَعْقِلُونَ: معادل «مضارع التزامی» است.

ج) «... پروردگارا و آن چه را که به آن هیچ توانی نداریم به ما تحمیل نکن ...»

لَا تُحْمَلْ: فعل نهی از باب «تفعیل» است.

د) دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خساست و دروغ.

لَا تَجْتَمِعْ: فعل مضارع منفی از باب «افتعال» است.

ه) هیچ اجباری در دین نیست.

و) کاش فصل بهار در کشور ما طولانی باشد! زیرا این جا بهار کوتاه است.

۵- الف) «قطعاً خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.»

«الْمُحْسِنِينَ» در ابتدایش حرف «مُ» و حرکت حرف ماقبل آخرش (ي) است.

← اسم فاعل

ب) ای بسیار روزی‌دهنده هر روزی داده‌شده‌ای و ای فرمانروای روز قیامت.

«رَزَقًا» بر وزن «فَعَال» است ← اسم مبالغه

«مَرْزُوقًا» بر وزن «مَفْعُول» است ← اسم مفعول

«مَالِكًا» بر وزن «فَاعِل» است ← اسم فاعل

۶- الف) فخرفروشی به اصل و نسب (دودمان) پسندیده است. (x)

ب) خواهان دانش میان افراد نادان به مرده شبیه است. (x)

۷- زمین در آن کانال با مقداری دینامیت که به ۵ تن می‌رسید منفجر شد.

أَطْنَان مَفْد ← طُن (تن)

۸- الف) مهندسان از دینامیت برای کندن تونل‌ها و شکافتن کانال‌ها و ایجاد کردن راه‌ها استفاده می‌کنند.

ب) از به خواب رفتن خرد و زشتی لغزش به خدا پناه می‌بریم و از او یاری می‌جوییم.

۹- الف) هر کس گناه کند، در حالی که می‌خندد، وارد آتش می‌شود در حالی که گریه می‌کند. اَذْنَبَ: فعل ماضی از باب «إفعال» است. / يَضْحَكُ - يَبْكِي: فعل مضارع هستند.

ب) آلفرد تلاشگرانه، بهینه‌سازی آن ماده را انجام داد.

ج) «همانا ما پاداش کسی را که کاری را نیکو انجام داده است، تباه نمی‌کنیم.»

لَا تُضَيِّعْ: فعل مضارع منفی است. / أَحْسَنَ: فعل ماضی از باب «إفعال» است.

ی) همانا خفاش تنها حیوان پستانداری است که قادر به پرواز کردن است.

ک) پدر دخترش را نبوسید و پیامبر ﷺ به او گفت: چرا بین کودکان فرق می‌گذاری؟
قَالَ: فعل ماضی از باب «تفعیل» است.

ثُمَّ: فعل مضارع از باب «تفعیل» است.

ل) اگر کشتن جغدها ادامه یابد، کشاورز مشکلاتی را در محیط زیست به گونه‌ای درآورد خواهد دید.

إِسْتَمَرَ: فعل ماضی از باب «استفعال» است.

سِيشَاهِدُ: فعل مستقبل از باب «مفاعلة» است.

۶- (۱) اسم الفاعل: الخالقین (از ثلاثی مجرد بر وزن «فاعل»)

(۲) اسم التفضیل: أَحْسَن (بر وزن «أفعل»)

(۳) اسم التفعول: المَحْصُول (از ثلاثی مجرد بر وزن «مفعول»)

(۴) اسم المبالغة: أَمَارَةٌ (بر وزن «فَعَالَةٌ»)

﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾ - يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ

اسم مبالغة اسم تفضیل اسم فاعل

الجرادة حشرة تأكل المحصول

اسم مفعول

۷- الف) گزینه «۱»؛ فعل «لا تُحِبُّ» مضارع منفی است که در گزینه (۲) نادرست ترجمه شده و فعل «أَنْ يُقَالَ» مضارع التزامی مجهول می‌باشد که در همین گزینه به صورت معلوم ترجمه شده است.

ب) گزینه «۲»؛ کلمه «المسجد» معرفه است که در گزینه (۱) به صورت نکره معنا شده و فعل «كَانَ يُفْقَهُونَ» که ماضی استمراری است در همین گزینه به صورت مضارع ترجمه شده است.

۸- الف) «این روز قیامت است و شما نمی‌دانستید.» لا تَعْلَمُونَ

با توجه به فعل «كُنْتُمْ» که دوم شخص جمع مذكر است، فعل «لا يعلمون» سوم شخص جمع مذكر» و فعل «لا تَعْلَمُونَ» دوم شخص جمع مؤنث» حذف می‌شوند.

ب) مؤمنان پروردگارش را یاد کرده‌اند. ذَكَرْتُ

فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد به کار می‌رود به شرطی که فاعل اسم ظاهر باشد. در این عبارت فاعل «المؤمنات» است که مؤنث می‌باشد و فعل در ابتدای عبارت باید مفرد مؤنث به کار رود.

۹- الف) تو باید که خودت را میان خویشتن و دیگری ترازویی قرار دهی.

ب) وقتی پرنده از نیرنگ‌زدن به دشمن مطمئن می‌شود، ناگهان به سرعت پرواز می‌کند.

۱۰- الف) عَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ.

فهر صفت

(دشمنی شخص عاقل بهتر از دوستی شخص نادان است.)

«خَيْرٌ» مرفوع است و خبری در مورد مبتدا «عَدُوٌّ» می‌دهد.

«جاهل» از هر لحاظ (مفرد-مذكر-مجروح-نکره) مانند کلمه قبل از خودش «صديق» می‌باشد.

ب) لَيْتَ فَضْلَ الرَّبِيعِ طَوِيلٌ فِي بَلَدِنَا.

اسم لیت جار و مفعول

(کاش فصل بهار در کشور ما طولانی باشد.)

«فَضْلٌ» منصوب است و بعد از حرف مشبهة بالفعل آمده، بنابراین اسم آن است.

«فِي بَلَدٍ» حرف جر و اسم مجرور بعدش تشکیل جار و مجرور را می‌دهند.

ج) أَقْوَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَدُوَّهُ مُقْتَدِرًا.

مضاف الیه مفعول هال

(نیرومندترین مردم کسی است که دشمنش را با قدرت ببخشد.)

«الناس» مجرور است و اسم ماقبل آن «ال» و «توین» ندارد؛ بنابراین مضاف الیه می‌باشد.

«عَدُوٌّ» منصوب است و بعد از فعل قرار گرفته؛ بنابراین مفعول می‌باشد.

«مُقْتَدِرًا» مشق، نکره و منصوب است و بیان‌کننده حالت «أقوى الناس» می‌باشد؛ بنابراین حال است.

۱۱- گزینه «۱»؛ اِحْمِنِي ← اِحْم + ن «وقایه» + ي «مفعول»

۱۲- الف) ۱) نَجَّارٌ يَكُ مِيزٌ يَابِدٌ يَسَّادٌ. لـ (امر) + يَصْنَعُ ← لِيَصْنَعُ

۲) ای مهندس! این ساختمان را نساز. لا (نهی) + تَصْنَعُ ← لا تَصْنَعُ

۳) همانا او چیزی نخواهد ساخت. لَن + يَصْنَعُ ← لَنْ يَصْنَعَ

ب) ۱) پدر و مادر، کودک را تشویق نکردند. لَمْ + يُشَجِّعَانِ ← لَمْ يُشَجِّعَا

۲) بازیکنان را تشویق کرده بودند.

كانوا + قد شَجَّعُوا ← كانوا قد شَجَّعُوا (ماضی بعید)

۳) دانش‌آموزان در کلاس تشویق می‌شوند. يُشَجِّعْنَ: مضارع مجهول است.

۱۳- (۱) المُنَادَى: دَاوُدُ (اسم بعد از حرف ندا «یا»)

(۲) المفعول المطلق و نوعه: اهتماماً - تأكیدی (مصدر منصوب از فعل جمله (يُهْتَمُّ) -

بعدش صفت و مضاف‌الیه ندارد، بنابراین «تأكیدی» است.)

(۳) الحال: وحيداً (مشق «بر وزن فعيل»، نکره، منصوب)

(۴) المستثنى و المستثنى منه: إبليس - الملائكة (اسم بعد از «إلا» مستثنی است - آن

کلمه‌ای که مستثنی از آن جدا می‌شود مستثنی منه است.)

۱۴- کمک کرد - روپوش بلند و گشاد - آزاد کرد - تپه - مس

الف) او را آزاد کرد و از بندگی بیرون آورد: أَعْتَقَ

ب) منطقه‌ای بلند، کوچک‌تر از کوه: التَّلَّ

ج) عنصری فلزی مانند آهن: النُّحَاسُ

د) کمک کرد و یاری رساند: أَعَانَ

۱۵- الف) گزینه «۱»

موارد نادرست در گزینه (۲): فعل ماضی، جمع مذكر غائب، ثلاثی مجرد، لازم، مُعْرَب

ب) گزینه «۲»

موارد نادرست در گزینه (۱): مبنی، فاعل و مرفوع

۱۶- **تجمعت** پسر حنیف استاندار امیرالمؤمنین علیه السلام در بصره بود. او را مردی از جوانان اهل بصره به سفره مهمانی دعوت کرد پس به سرعت نزد او رفت.

امیرالمؤمنین علیه السلام به او گفت: گمان نمی‌کردم مهمانی مردی را بپذیری که تهیدستان رانده و ثروتمندشان دعوت شده است.

الف) كَانَ ابْنُ حَنِيفٍ عَامِلٌ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَلَى الْبَصْرَةِ.

پسر حنیف استاندار امیرالمؤمنین در چه شهری بود؟ پسر حنیف استاندار

امیرالمؤمنین علیه السلام در بصره بود.

ب) ذَهَبَ إِلَيْهَا بِسُرْعَةٍ.

پسر حنیف چگونه به سوی سفره مهمانی رفت؟ به سوی آن به سرعت رفت.

ج) قَالَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام.

چه کسی گفت: «تو مهمانی مردی را پذیرفتی که تهیدستان رانده است؟ امیرالمؤمنین گفت.

د) گزینه «۲»

ترجمه گزینه (۲): پسر حنیف به سفره مهمانی رفت که تهیدستان رانده و ثروتمندشان دعوت شده است.

ازمون شماره ۱۰ (نوبت دوم)

۱- الف) «اگر تندخو و سنگدل بودی، بی‌گمان پراکنده می‌شدند...»

ب) روشن کردن قلب و عقل مفید است.

ج) جهان بزرگ‌تر در انسان پیچیده می‌شود.

د) کشاورز تصمیم گرفته بود از جغدها رهایی یابد.

كان قد قَرَّرَ: معادل ماضی بعید است.

۲- «بدبین، سختی را می‌بیند؛ اما خوش‌بین فرصت را می‌بیند.»

«پسر به سوی پدرش رفت سپس نزد پیامبر رفت.»

الف) رَاحَ = ذَهَبَ (رفت)

ب) المَشَائِمُ (بدبین) ≠ المُنْفَائِلُ (خوش‌بین)

۳- کوه‌ها دشت‌ها کارگاه‌ها تپه‌ها کشتزارها

۴- کودهای شیمیایی از تهدیدکنندگان نظام طبیعت است.

الأسْمِدَةُ ← مفعول السَّمَاد (کود)

۵- الف) «مانا ما قرآن را بر تو مسلماً نازل کردیم.» تَزَلْنَا: فعل ماضی است.

ب) «پس این، روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.» کُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: معادل ماضی استمراری منفی است.

ج) پسرکم، آنچه را برای خودت دوست داری برای غیر خودت (نیز) دوست بدار. أحبب: فعل امر از باب «إفعال» است. / تُحِبُّ: فعل مضارع از باب «إفعال» است.

د) هر دو گروه رستگار می‌شوند و اما کسانی که نادان را دانا می‌کنند، برترند.

يُثْلِحَان: فعل مضارع از باب «إفعال» است. / يُفْقَهُونَ: فعل مضارع از باب «تفعیل» است. (ه) فرستاده (پیامبر ﷺ) شیما را میان ماندن با او با عزت یا برگشتن به سوی قومش اختیار داد. خَيَّرَ: فعل ماضی از باب «تفعیل» است.

و) همانا تیسفون نزدیک بغداد پایتخت ساسانیان بود.

ز) و سینه را از شادمانی و دهانم را با لبخندها پُر کن. إِمْلَأْ: فعل امر است.

ح) فرستاده خدا، خواهری از شیرخوارگی داشت.

ط) هر کس پدر و مادر، او را در کودکی ادب نکنند روزگار او را ادب می‌کند. لَمْ يُؤَدِّبْ: معادل فعل ماضی ساده و نقلی است. اما چون در اینجا فعل شرط است، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

ی) آلفرد به ساختن ده‌ها کارخانه اقدام کرد. قَامَ بِ: فعل ماضی است.

ک) ای کشاورز! از مزرعات به شدت مراقبت کن. راقِبْ: فعل امر از باب «مفاعلة» است.

ل) مرد، فرزندانش را به‌جز دخترش بوسید. قَبَّلَ: فعل ماضی از باب «تفعیل» است.

م) هیچ بدی، بدتر از دروغگویی نیست.

۶- ۱) اسم مبالغة: الْعَفَّارُ (بر وزن «فَعَال»)

۲) اسم مکان: الْمَرْزَعَةُ (بر وزن «مَفْعَلَة»)

۳) اسم مفعول: المحاصیل، مفرد آن: المحصول (از ثلاثی مجزء بر وزن «مفعول»)

۴) اسم تفضیل: الْحُسْنَى (بر وزن «فَعْلَى»)

۷- الف) گزینه ۱: فعل خَلَقَ که ماضی است در گزینه ۲) به صورت مضارع ترجمه شده.

ب) گزینه ۲: فعل «کان ... یَعِيشُ» که معادل ماضی استمراری است در گزینه ۱) به صورت مضارع ترجمه شده است و البته ترکیب وصفی «خُفْرَةٌ صَغِيرَةٌ» که نکره است در همین گزینه به صورت معرفه ترجمه شده است.

۸- الف) تَصَنَعُ «او چیزی را ساخت»

قبل از جای خالی «لَمْ» وجود دارد که باعث مجزوم شدن فعل مضارع بعد از خود می‌شود؛ بنابراین فعل «تَصَنَعُ» حذف می‌شود و ضمیر «ها» ما را به فعل «تَصَنَعُ» می‌رساند.

ب) أَقْبَلَ «رئیس‌های شرکت‌های ساختمانی به خریدن دینامیت روی آوردند»

فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد به کار می‌رود؛ بنابراین فعل «أقبلوا» حذف می‌شود و با توجه به فاعل جمله که کلمه «رُؤَسَاء» می‌باشد باید فعل مذكر یعنی «أقبل» انتخاب شود.

۹- الف) سربازان ما، سرزمین‌ها را از پیشامدهای ناگوار نگاهداری می‌کنند.

ب) زیاله‌های صنعتی برای نظام طبیعت تهدیدی به شمار می‌آیند.

۱۰- الف) ﴿يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ﴾

منارا اسم إن

«ای بندگانه که ایمان آورده‌اید همانا زمین من گسترده است.»

عباد: اسمی که بعد از حرف ندای «یا» می‌آید «منادا» است.

أرض: اسم منصوب بعد از حرف مشبهة بالفعل اسمش محسوب می‌شود.

ب) أَعْجَبَ أُنُوشِرُونَ كَلَامَهُ وَ أَمَرَ أَنْ يُعْطِيَ الْفَلَّاحَ أَلْفَ دِينَارٍ.

فاعل نایب فاعل

سخنش انوشیروان را به شگفت آورد و دستور داد هزار دینار به کشاورز داده شود.

کلام: اسم مرفوع بعد از فعل فاعل است.

الفلّاح: اسم مرفوع بعد از فعل مجهول نایب فاعل است.

ج) الْمُؤْمِنُ لَا يَظْلِمُ الْآخِرِينَ فِي الدُّنْيَا.

مبتدا مفعول بار و مهور

«مؤمن در دنیا به دیگران ستم نمی‌کند.»

المؤمن: اسم مرفوع ابتدای جمله مبتدا است.

الآخرين: اسم منصوب بعد از فعل مفعول است.

في الدنيا: حرف جرّ + اسم (جار و مجرور)

۱۱- گزینه ۲: «از دیاداً» مصدر منصوب از فعل «إزداداً» است.

۱۲- الف) حامد کتاب‌ها را پس نگرفت / پس نگرفته است. (لَمْ يَسْتَرْجِعْ: معادل ماضی منفی ساده و نقلی است.)

ب) لطفاً، امانتت را پس بده. (إسْتَرْجِعْ: فعل امر از باب استفعال است.)

ج) مؤمن، پیمانش را با پدر و مادرش پس نخواهد داد. (لَنْ تَسْتَرْجِعْ: معادل مستقبل منفی است.)

د) برادر عزیزم! آنچه به من دادی پس بگیر. (لَا تَسْتَرْجِعْ: فعل نهی است.)

ه) همکلاسی‌ام کیفیتش را پس خواهد گرفت. (سَيَسْتَرْجِعْ: فعل مستقبل است.)

و) گاهی نامه‌ها را پس خواهیم گرفت. (قد + مضارع: «قَدْ» معنی گاهی می‌دهد.)

۱۳- ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ «هر چیزی از بین‌رفتنی است به‌جز ذاتش.»

المستثنى منه المستثنى

مَنْ عَاشَ يَوْجُوهَيْنِ، مَاتَ خَاسِراً. «هر کس با دورویی (منافقانه) زندگی کند، زیانکار می‌میرد.»

الخال

یا تلامیذ! حافظوا علی نظافة الطبیعة.

المنادی

«ای دانش‌آموز! از نظافت طبیعت نگاهداری کن.»

ظَلَمَ الْإِنْسَانَ الطَّبِيعَةَ فِي تَشَاوُطِهِ ظُلماً وَاسِعاً.

المفعول المطلق

«انسان در فعالیت‌هایش به طبیعت به صورت گسترده ستم کرد.»

۱) المفعول المطلق: ظُلماً (مصدر منصوب از فعل «ظلم» است.)

۲) نوعه: نوعی (مفعول مطلق «ظُلماً» دارای صفت «واسعاً» است.)

۳) المستثنى: وَجْهَهُ (اسم بعد از «إلا» است.)

۴) المستثنى منه: كُلُّ شَيْءٍ (مستثنی «وجه» از آن جدا شده است.)

۵) المنادی: تلامیذ (اسم بعد از حرف ندا «یا» است.)

۶) الحال: خاسراً (مشق، نکره و منصوب است و حالت فرد دورو را در جمله بیان می‌کند.)

۱۴- «گل - آزمایشگاه - یاری‌کننده - استخوان - گربه - جوجه»

الف) او کسی است که همیشه دست دیگران را می‌گیرد. المعین: یاری‌کننده

ب) از دشمنان موش. القَطَطُ: گربه

ج) جایی که برخی از دانشمندان، تجربه‌هایشان را در آن اجرا می‌کنند. المُخْتَبِرُ: آزمایشگاه

د) اولین انسان از آن آفریده شده است. الطّین: گل

۱۵- «ای داوود همانا ما، تو را خلیفه‌ای در زمین قرار دادیم ...»

الف) داوود: گزینه ۲

موارد نادرست گزینه ۱: مبنی - مبتدا

ب) جَعَلْنَا: گزینه ۱

موارد نادرست گزینه ۲: فعل مضارع - ثلاثی مزید من باب افعال

۱۶- عثمان پسر حنیف استاندار امیرالمومنین رضی الله عنه در بصره بود. در روزی

از روزها مردی از مردان بصره او را به سفره مهمانی خویش فراخواند. پس به سرعت به

سوی آن شتافت. علی رضی الله عنه از کارش ناراحت شد و گفت: گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی

را بپذیری که تهیدستان رانده و ثروتمندشان دعوت شده است.

درس نامه توپ برای شب امتحان

«إِنْ» گاهی معنای «زیرا» هم دارد.

لَا يَخْرُجُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ: سخن آن‌ها نباید تو را غمگین کند، زیرا عزت برای خداوند است.

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾: همانا خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (البقرة/۱۹۵)

﴿نَكَتَهُ﴾: إِنَّ غالباً در اول جمله می‌آید.

﴿نَكَتَهُ﴾: هرگاه إِنَّ به ضمیر «نا» متصل شود، به صورت «إِنَّا» و «إِنْتَا» می‌نویسیم.

﴿مَنَّا﴾: إِنَّا أَغْطِيكَ الْكُوثرُ: به درستی که ما به تو کوثر (خیر فراوان) عطا کردیم. (الکوثر/۱)

﴿نَكَتَهُ﴾: هرگاه إِنَّ به ضمیر «ی» متصل شود، می‌توانیم بین این دو «نون وقایه» بیابیم

و به شکل «إِنِّي» بنویسیم. (إِنْ + ن + ی = إِنِّي)

﴿نَكَتَهُ﴾: اگر حرف «ما» به «إِنَّ» متصل شود، (إِنَّمَا) معنای تنها و فقط (أَسْلُوب حصر) می‌دهد.

﴿مَنَّا﴾: إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ: افتخار تنها به خردی استوار است.

﴿نَكَتَهُ﴾: «أَنْ»: به معنای «که» است.

دوستان خوب! معمولاً «أَنْ» بین دو جمله می‌آید و آن دو را به هم پیوند می‌دهد.

﴿مَنَّا﴾: أَمْ تَرَعُمُ أَنْكُمْ جِزْمٌ صَغِيرٌ: آیا گمان می‌کنی که تو موجود کوچکی هستی؟

﴿نَكَتَهُ﴾: «كَأَنَّ»: برای «تشبیه» است و هرگاه «كَأَنَّ» را در جمله‌ای دیدید، آن را «گوی»

«مانند» و «مثل این‌که» ترجمه کنید.

﴿مَنَّا﴾: كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ:

گوی خشنودساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

﴿نَكَتَهُ﴾: «لِكَوْنٍ»: به معنای «ولی» و «امّا» می‌باشد و برای برطرف کردن ابهام جمله قبل از

خودش یا تکمیل آن به کار می‌رود.

﴿مَنَّا﴾: ﴿فَهَذَا يَوْمٌ الْبُعْثُ وَ لِكَيْنِكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾:

و اکنون روز رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید. (الزوم/۵۶)

﴿نَكَتَهُ﴾: «لَيْتَ»: به شکل «يَا لَيْتَ» هم می‌آید و به معنای «کاش» و «ای کاش» است.

﴿مَنَّا﴾: لَيْتَ صَدِيقِي يُنَجِّحَ فِي الْإِمْتِحَانِ: ای کاش دوستم در امتحان موفق شود.

﴿نَكَتَهُ﴾: هرگاه «لَيْتَ» به ضمیر «ی» متصل شود، بین این دو «نون وقایه» می‌آید و آن

را به شکل «لَيْتَنِي» می‌نویسیم. (لَيْتَ + «ن» وقایه + ی = لَيْتَنِي)

﴿مَنَّا﴾: ﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا﴾: ای کاش من خاک بودم. (البقرة/۴۰)

﴿نَكَتَهُ﴾: «لَعَلَّ»: را به معنای «شاید» و «امید است» ترجمه می‌کنیم.

﴿نَكَتَهُ﴾:

حتماً تا حالا متوجه شدید که ترجمه انواع فعل در کتاب شما بسیار مورد تأکید است. بنابراین

الان می‌خواهیم ببینیم که «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» در ترجمه فعل چه تغییری ایجاد می‌کنند.

﴿نَكَتَهُ﴾: «لَيْتَ» در جایی استفاده می‌شود که احتمال اتفاق افتادن آن فعل بسیار ضعیف

یا محال است. مثلاً «لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا»: ای کاش خاک بودم.

ولی «لَعَلَّ» در جایی می‌آید که احتمال اتفاق افتادن آن وجود دارد.

لَعَلَّ النَّاسَ يَتَفَكَّرُونَ: ای کاش مردم بیندیشند.

﴿مَنَّا﴾: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾:

بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم، امید است شما خردورزی کنید. (الزخرف/۳)

﴿نَكَتَهُ﴾: اگر جمله‌ای دارای «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» باشد و بعد از آن فعل مضارع بیاید (لَيْتَ یا لَعَلَّ +

فعل مضارع)، آن فعل مضارع را به صورت مضارع التزامی (ب + بن مضارع + شناسه)

ترجمه می‌کنیم.

(لَيْتَ یا لَعَلَّ + فعل مضارع = مضارع التزامی)

﴿مَنَّا﴾: ﴿ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾:

به موسی کتاب و فرقان دادیم شاید هدایت شوید. (البقرة/۵۳)

مضارع التزامی

به موسی کتاب و فرقان دادیم شاید هدایت شوید. (البقرة/۵۳)

مضارع التزامی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ

«الْحُرُوفُ الْمَشْبَهَةُ بِالْفِعْلِ» وَ «الْأَنفَاءُ لِلْجِنْسِ» وَمَعَانِيهَا

«الْحُرُوفُ الْمَشْبَهَةُ بِالْفِعْلِ»

به مثال‌های زیر توجه کنید:

﴿مَنَّا﴾: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾:

بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاس‌گزار نمی‌کنند. (البقرة/۲۴۳)

﴿مَنَّا﴾: لَيْتَ فَضْلَ الرَّبِّيعِ طَوِيلٌ فِي بَلَدِنَا:

کاش فصل بهار در شهر ما طولانی باشد.

به حروفی مانند: إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لِكَيْنَ، لَعَلَّ حروف مشبّهة بالفعل می‌گوییم.

﴿نَكَتَهُ﴾: این حروف بر سر جمله اسمیه (مبتدا و خبر) می‌آیند و اعراب مبتدا را

تغییر می‌دهند، یعنی مبتدای جمله را اسم خود و منصوب (ـ، ـ، ـ، ...) می‌کند و خبر

جمله را خبر خود قرار داده و مرفوع (ـ، ـ، ـ، ...) می‌نماید.

به مثال زیر و تغییر حرکات کلمات توجه کنید:

﴿مَنَّا﴾: لَعَلَّ النَّصْرَ قَرِيبٌ: امید است پیروزی نزدیک باشد.

اسم لَعَلَّ فِعْر كَرَن

و منصوب و مرفوع

﴿مَنَّا﴾: كَأَنَّ الْمُشْتَرِيَ مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ وَ لِكَيْنَ الْبَائِعِ عَازِمٌ عَلَى تَبِيْعِهَا.

اسم كَأَنَّ فِعْر كَرَن

و منصوب و مرفوع

گویا مشتری در خرید کالا دو دل است، ولی فروشنده در فروش آن مصمم است.

﴿نَكَتَهُ﴾: می‌دانیم که اگر اسم یا خبر حروف مشبّهة بالفعل مبنی باشند حرکت آن‌ها

تغییری نخواهد کرد.

﴿مَنَّا﴾: ﴿كَأَنَّهُمْ بِنِيَابٍ مَرْصُوصٍ﴾: گویی آن‌ها ساختمانی استوارند. (الصف/۴)

اسم فِعْر كَرَن

كَرَن و مرفوع

﴿نَكَتَهُ﴾: اگر خبر حروف مشبّهة بالفعل، جمله (فعل) یا شبه‌جمله (جار و مجرور) باشد،

حرکت آن‌ها تغییر نمی‌کند.

﴿مَنَّا﴾: ﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا﴾ (البقرة/۲۴۷)

اسم إِنَّ فِعْر إِنْ

و منصوب

«قَدْ بَعَثَ» اگر چه خبر إِنَّ می‌باشد، ولی چون جمله (فعل) است، حرکت آن تغییر نکرده است.

﴿مَنَّا﴾: ﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (النساء/۱۳۹)

اسم إِنَّ فِعْر إِنْ

و منصوب

«لِلَّهِ» اگر چه خبر إِنَّ می‌باشد، ولی چون شبه‌جمله (جار و مجرور) است، حرکت آن

تغییر نکرده است.

فَنَ تَرْجِمُهُ

آشنایی با معانی حروف مشبّهة بالفعل بسیار مهم است، پس به مثال‌ها و نکات زیر توجه کنید.

﴿نَكَتَهُ﴾: «إِنَّ»: به معنای «قطعاً»، همانا، به درستی که، بی‌گمان» است؛ به عبارت دیگر، جمله

پس از خود را تأکید می‌کند.

در متن‌ها و جمله‌هایی که مربوط به دوران جدید است می‌توانیم «إِنَّ» را ترجمه نکنیم.

إِنَّ هَذَا السَّمَكُ يَعِيشُ فِي إفريقيا: این ماهی در آفریقا زندگی می‌کند.